

تبیین و بررسی اهداف و اصول تربیت دینی از منظر رویکرد تجربه دینی و نقد آن بر اساس آموزه‌های اسلامی

فرخناز محمدوند^۱
سید مهدی سجادی^۲
محمود مهرمحمدی^۳
علیرضا صادق‌زاده قمصری^۴

چکیده

موضوع تجربه دینی برای متفکران دینی و نیز برای کسانی که به رشد و مطالعه دین به عنوان رشته‌ای آکادمیک، کمک کرده‌اند، موضوعی محوری بوده است. **اهداف** از نگارش این مقاله، پرداختن به تربیت دینی بر اساس رویکرد تجربه دینی و نقد آن بر اساس آموزه‌های اسلامی بوده است. **روش**: در این مقاله با استفاده از روش تحلیلی و استنتاجی الگوی فرانکنا به استنتاج چیستی و چگونگی اهداف و اصول تربیت دینی این رویکرد پرداخته شده است. **یافته‌ها**: تربیت دینی به‌طور عمده از طریق شکل‌گیری تجربه دینی و تکوین جنبه احساسی مذکور از طریق انجام آداب و مناسک دینی مربوطه تحقق پیدا می‌کند. نقد انجام شده نشان می‌دهد که رویکرد تجربه دینی به تقدّم احساسات و عواطف دینی نسبت به شناخت در شکل‌گیری ایمان و به تبع آن در تربیت دینی توجه می‌کند. در واقع؛ برای شناخت، نسبت ثانوی قائلند؛ در حالیکه در اسلام، تربیت دینی مبتنی بر رویکرد تجربه دینی متناظر با آموزه‌های اسلامی با توجه به سه عنصر شناختی، عاطفی و ارادی صورت می‌گیرد.

واژگان کلیدی: تجربه دینی، تربیت دینی، آموزه‌های اسلامی، رویکرد تجربه دینی.

دریافت مقاله: ۹۳/۰۲/۱۵؛ تصویب نهایی: ۹۳/۱۰/۳۰

۱. دانشجوی دکتری دانشگاه تربیت مدرس؛ دانشکده علوم انسانی، گروه فلسفه تعلیم و تربیت (نویسنده مسؤول) / آدرس: تهران، خیابان جلال آل احمد، پل نصر، دانشگاه تربیت مدرس / [Email: F.mohamadvand@gmail.com](mailto:F.mohamadvand@gmail.com)
۲. دکترای فلسفه تعلیم و تربیت؛ دانشیار دانشگاه تربیت مدرس.
۳. دکترای برنامه ریزی درسی؛ استاد دانشگاه تربیت مدرس.
۴. دکترای فلسفه تعلیم و تربیت؛ استادیار دانشگاه تربیت مدرس.

الف) مقدمه

در دو سه دهه اخیر، "موضوع تجربه دینی" برای متفکران دینی و نیز برای کسانی که به رشد و مطالعه دین به عنوان رشته‌ای آکادمیک کمک کرده‌اند، موضوعی محوری بوده است. تجربه دینی صرفاً مجموعه‌ای از بیانات اعتقادی یا مجموعه‌ای از آداب و مناسک دینی نیست، بلکه اصطلاح تجربه دینی، به معنای عام و گسترده عبارت است از هر گونه حال، احساس، مشاهده یا دریافتهای شخصی که انسان را اولاً، با وجود غیر مادی خود آشنا سازد و ثانیاً، او را با عالم ماورای ماده ارتباط دهد. اما در معنای خاص، تجربه دینی چنین است که انسان دارای حال و تجربه‌ای شود که به نظر می‌رسد خداوند به گونه‌ای خود را بر انسان آشکار ساخته یا متجلی کرده است. به عبارت دیگر، تجربه دینی به معنای خاص آن عبارت است از گونه‌ای ظهور یا تجلی خداوند بر شخص تجربه‌گر (شیروانی، ۱۳۸۱: ۱۷۵). داشتن تجربه دینی؛ یعنی بودن در یک حالت خودآگاه؛ که این بودن، با توجه به مسئله نجات و رستگاری در یک دین یا مجموعه مفاهیم دینی، امری محوری و اساسی است (یاندل، ۱۹۹۷: ۴۳۶). بدین ترتیب، دین در این مفهوم جدید، معنایی بسیار گسترده می‌یابد و از ابتدایی‌ترین جلوه‌های آن تا پیشرفته‌ترین اشکال سنتهای مذهبی در طول تاریخ بشر را شامل می‌شود. از این منظر، برخورداری از تجربه دینی فقط به معتقدان به ادیان ابراهیمی اختصاص ندارد، بلکه هر نوع باور به امور ماورایی را در بر می‌گیرد. در این رویکرد، هر گونه احساس، مشاهده و دریافت شخصی (ارتباط شهودی) که آدمی را به گونه‌ای با جهان ماورای طبیعت و نیروهای غیبی حاکم بر انسان و دیگر موجودات عالم ماده مرتبط سازد، تجربه دینی نامیده می‌شود که این خود معنای خاصی دارد. بدین معنا، رویدادی است که به نظر می‌رسد خداوند، خویش را به گونه‌ای بر انسان آشکار یا متجلی ساخته است و شخص، تجلی خداوند را در یک فعلی در موجودی که به نحوی با خداوند مرتبط است، احساس می‌کند. (شریفی‌نیا، ۱۳۸۳)

ویلیام جیمز، احساس دینی را نظیر دیگر عواطف انسان می‌داند که به موضوعات دینی تعلق گرفته است. او دین را دارای هر سه بعد عقلی، ارادی و عاطفی می‌داند، اما بر بعد عاطفی تأکید می‌کند و اولویت را به آن می‌دهد. حالت عرفانی یا همان تجربه دینی برای او جوهر و پایه دینداری است (شجاعی زند، ۱۳۸۸). او معتقد است کسی که تجربه دینی دارد، بر اثر آن تجربه، نگرشی نو به جهان برایش حاصل می‌شود و باور دارد که نظامی نادیدنی در جهان وجود دارد و بهترین کار برای او این است که خود را با آن وفق دهد. (جیمز؛ نقل از: بلندهمتان و نقیب‌زاده، ۱۳۸۸: ۲۳)

تربیت به طور عام و تربیت دینی به‌طور خاص در هر نظام تعلیم و تربیت متأثر از دیدگاههای مختلف است، در بحث تربیت دینی توجه به شهود، تجربه و ادراک خداوند از راه تجربه‌های دینی هر چند دشوار به نظر می‌رسد و هدف آرمانی قلمداد می‌شود، اما نباید مورد غفلت قرار گیرند. تجربه و آگاهی دینی امری

تبیین و بررسی اهداف و اصول تربیت دینی ... ❖ ۴۳

قلبی است و نمی‌توان آن را به کسی تحمیل کرد، بلکه می‌توان فضا را طوری طراحی کرد که افراد خود به سوی تجربه کردن برخی احساسات معنوی و دینی گرایش پیدا کنند. فراهم آوردن شرایطی که در آن مترقی به این درک و توان برسد که هر پدیده‌ای را با توجه به خدا ببیند. در پرداختن به مقوله تربیت که تجربه دینی نیز جزیی از آن (تربیت دینی) محسوب می‌شود، جنبه عاطفی به لحاظ تعلیم و تربیت، از نظر اهمیت و جایگاه، هم‌عرض حیطه عقلانی و چه بسا بالاتر از آن قرار می‌گیرد.

نکته‌ای که کمتر از همه مورد توجه قرار می‌گیرد، چگونگی بهره‌گیری از امکانات و زمینه‌های معنوی در نظام آموزشی است که عبارت از ایجاد تحولات اساسی در تعریف اهداف، محتوا و روشهاست. تحقق این امر، پویایی نظام تربیتی را می‌طلبد تا اصول، روشها و کارکردهای خود را از حالت ایستا خارج کند و بتواند خواسته‌هایش را متناسب با دگرگونی‌های محیطی شاداب و زنده نگه دارد؛ در غیر این صورت، محکوم به مرگ خواهد بود. حال سؤال اینجاست که آیا امکان کاربرد مفاهیم و موضوعات مربوط به تجربه دینی می‌تواند بر تلقی ما از تربیت دینی تأثیر بگذارد یا نه؟ و نیز اینکه این تجارب چگونه آموزش داده شود؟ و چه نقدی بر اساس آموزه‌های اسلام بر آن وارد است؟

هدف اساسی در این تحقیق، استنتاج تربیت دینی مبتنی رویکرد تجربه دین‌یاز منظر ویلیام جیمز و نقد آن بر اساس آموزه‌های اسلامی است. بدین منظور دو سؤال مطرح می‌کنیم: ۱. دلالتها و پیامدهای تربیتی این تجربه در زمینه اهداف و اصول چیست؟ ۲. نقد تربیت دینی مبتنی بر تجربه دینی بر اساس آموزه‌های اسلامی چیست؟

ب) روش پژوهش

روش به کار رفته برای استنتاج اصول و روشها، الگوی بازسازی شده فرانکنا می‌باشد. در این الگو دو نوع گزاره به کار می‌رود: گزاره‌های هنجاری و گزاره‌های واقع‌نگر. گزاره‌های هنجاری که دارای ماهیت تجویزی‌اند، سه گونه می‌باشند: گزاره‌های مربوط به اهداف تربیتی، گزاره‌های مربوط به اصول و گزاره‌های مربوط به روشهای عملی، که باید در تعلیم و تربیت به کار رود. گزاره‌های واقع‌نگر، دارای ماهیت توصیفی بوده، به روابط و مناسبات واقعی میان امور ناظرند. این گزاره‌ها خود بر دو نوعند: گزاره‌های مربوط به آنکه برای نایل شدن به اهداف یا برخی از اصول، چه دانشها، مهارتها یا نگرشهایی لازم یا مناسب است. همچنین گزاره‌های مربوط به اینکه برای کسب دانشها چه روشهایی مفید و مؤثر است. گزاره‌های واقع‌نگر می‌تواند شامل فرضیه‌های تبیین‌کننده نظریه‌های روان‌شناسی، یافته‌های تجربی، گزاره‌های معرفت‌شناختی، متافیزیک یا الهیاتی باشد. در این روش برای استنتاج اصول از اهداف تربیتی باید گزاره‌های واقع‌نگر لازم برای نیل به اهداف، به آنها افزوده

۴۴ ♦ مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی ۶۲

شود. همچنین برای استنتاج روشها از اصول، لازم است که گزاره‌های واقع‌نگر روشی به آن افزوده شود تا به کمک اصل و این گزاره روش مطلوب به دست آید. (باقری، ۱۳۸۹)

در این تحقیق، اهداف و اصول بر مبنای مربوط به تربیت دینی از دیدگاه ویلیام جیمز استوار شده است. ویلیام جیمز، راه رسیدن به تجربه دینی را دارای دو جنبه سلبی و ایجابی می‌داند. بر این اساس، اهداف و اصول ذکر شده راز دو جنبه سلبی و ایجابی، در دو حیطه شناختی و عاطفی مطرح کرده‌ایم. جنبه ایجابی ناظر به انجام و جنب سلبی ناظر بر عدم انجام یک امر در تربیت است.

ج) یافته‌ها

وجه اصلی و لازم در کاربرد رویکرد تجربه دینی در تعلیم و تربیت، ناشی از به کار بستن اوصاف و مؤلفه‌های معنوی دین است. اما رویه و بعد معنوی آن صرفاً آموختنی نیست. این بعد در ارتباط با قلب آدمی و از راه تربیت و پرورش استعدادها حاصل می‌شود. هنگامی که مربی بتواند با کنترل سازوکارهای محیطی و فراهم آوردن یکسری امکانات تفریحی و بازیو ...، زمینه رشد معنوی و آگاهی درونی و خودکنترل فرد را فراهم آورد.

در مجموع، هدف تربیت، تسهیل حرکت انسان به سوی معنویت است و تربیت باید راه گرایش به جنبه ربّانی را در انسان هموار کند. در این دیدگاه، مبنا این نیست که مربی دست فرد را بگیرد و او را به مقصد برساند، بلکه هدف این است که توانایی‌هایی در متربی تحقق یابد تا او خود راه زندگی را طی کند.

تربیت همانند هر فعالیت ارادی دیگر انسان، اهدافی را دنبال می‌کند. این اهداف از مبنای فلسفی؛ یعنی هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی و ارزش‌شناختی یک مکتب نشئت می‌گیرد. از دیدگاه ویلیام جیمز، اهداف و اصول تربیت دینی و بر اساس الگوی فرانکنا، در دو حیطه عاطفی و شناختی به صورت ذیل قابل استنتاج است.

۱- **هدف غایی:** متربی در تربیت دینی باید با نیروی غیبی (خدا)، وحدت و هماهنگی داشته باشد.

الف: مقدمه اول (باید حیاتی): متربی در تربیت دینی، باید در آرامش و شادمانی باشد.

ب: مقدمه دوم (مبنا): دستیابی به آرامش و شادمانی در گرو وحدت و هماهنگی با نیروی غیبی (خدا) است.

ج: نتیجه قیاس عملی: متربی در تربیت دینی باید با نیروی غیبی (خدا) وحدت و هماهنگی داشته باشد.

تبیین و بررسی اهداف و اصول تربیت دینی ... ۴۵

جیمز که همیشه نگاهش به آثار ژرف و بنیادین پدیده‌هاست، در بررسی دین نیز این نگرش خود را حفظ می‌کند. به باور جیمز، تأثیر خداوند در زندگانی آدمی، به صورت شادمانی و آرامش جلوه‌گر می‌شود. به بیانی دیگر؛ نتیجه تجربه دینی در زندگانی ما انسانها، شادی درونی است. جیمز بر این باور است که شادمانی از عمده‌ترین دلمشغولی‌های زندگی انسان و یکی از انگیزه‌های پنهان همه انسانها در همه زمانها، برای هر کاری بوده است. در دین نیز چنین است. این نکته تا آنجا مهم است که مردم معمولی، رسیدن به شادمانی را برهانی بر حقیقت دین می‌دانند (جیمز، ۲۰۰۲: ۲۳۷). جیمز با روگردانی از مورخان تاریخی که ترس را سبب رو آوردن انسانها به خدا دانسته‌اند، تأکید خود را بر عنصر شادمانی گذاشته و تحقق این شادمانی را در ایجاد وحدت و هماهنگی با خدا می‌داند. (همان)

۲- **هدف واسطی:** مرتب‌ی در تربیت دینی، باید به تجربه‌ورزی دینی دست یابد.

الف: مقدمه اول: انسان باید با خدا وحدت و هماهنگی داشته باشد.

ب: مقدمه دوم: وحدت و هماهنگی با نیروی غیبی (خدا) مستلزم تجربه‌ورزی دینی است.

ج: نتیجه قیاس: مرتب‌ی در تربیت دینی، باید به تجربه‌ورزی دینی دست یابد.

همان‌طور که ذکر شد، تربیت دینی چیزی نیست جز روی آوردن به تجربه دینی. تجربه دینی واکنشهایی است که فرد در خلوت و تنهایی خود، در برابر امر قدسی از خود ظاهر می‌سازد. او حضور موجودی مقدس را احساس می‌کند و در برابر چنین موجودی و به هنگام ارتباط با آن، صاحب برخی عواطف و احساسات خاص می‌شود که اصطلاحاً از آنها به احساسات دینی تعبیر می‌شود. این نشادن دادن واکنشها و احساسها در خلوت در برابر امر قدسی، تجربه دینی است.

د) اصول و روش‌های ناظر بر هدف عاطفی

در این بخش، اصول و روش‌هایی مطرح می‌شوند که هدف تربیتی بوجود آورنده آنها، گرایش به تجربه دینی داشتن است.

۱. اصل ارتباط عاطفی با خدا

۳- **هدف:** مرتب‌ی در تربیت دینی، باید گرایش خود را به تجربه‌ورزی دینی، جهت‌دهی کند.

الف: گزاره واقع‌نگر مبنایی: دستیابی به گرایش تجربه‌ورزی دینی، مستلزم برقراری رابطه عاطفی و

هیجانی با خداست.

ب: نتیجه قیاس: مرتب‌ی در تربیت دینی، باید با رب خود ارتباط عاطفی برقرار کند.

جیمز بر آن است که تجربه دینی ریشه در عواطف و احساسات آدمی دارد. در واقع؛ آنچه دین‌ورزی نامیده می‌شود، شامل یک هسته مرکزی است که به دور آن پوسته‌هایی چیده شده است. آن هسته مرکزی، احساسات و عواطف آدمی و پوسته‌های چیده به دور آن، باورها و اعمال دینی است (جیمز، ۲۰۰۲). هسته مرکزی تجربه دینی؛ یعنی احساسات و عواطف دینی، شامل موضوعاتی از قبیل عشق به امر قدسی، احساس هیبت و خشیت نسبت به آن است. جیمز بر این نکته مهم تکیه می‌کند که این احساسات، شکل گسترش یافته احساسات معمولی آدمیان است. لازم است که پیش از تربیت دینی، به احساسات انسانها پرداخته شود؛ چرا که احساسات دینی بر آن احساسات عام می‌نشیند. این نکته از آن رو مهم است که تجربه دینی در نگاه جیمز، همان احساسات دینی است.

۲. اصل پرورش اراده

هدف: متربی در تربیت دینی، باید گرایش خود را به تجربه‌ورزی دینی جهت‌دهی کند.
گزاره واقع‌نگر مبنایی: دستیابی به گرایش تجربه‌ورزی دینی، مستلزم پرورش اراده است.
اصل: متربی در تربیت دینی، باید به پرورش اراده بپردازد.

مدعای جیمز آن است که باورهای انسان برگرفته از فرضیه‌ها و گزینه‌هاست و فرضیه‌ها و گزینه‌ها، امور عاطفی و ارادی‌اند. هر باوری محتوای خاصی دارد؛ این محتواها ابتدا به صورت فرضیه‌اند. فرضیه به چیزی اطلاق می‌شود که ممکن است به باور ما پیشنهاد شده باشد (جیمز، ۲۰۰۲: ۴۲۳). ممکن است در یک موقعیت با دو فرضیه روبه‌رو شویم. جیمز می‌گوید اگر بخواهیم از میان دو فرضیه یکی را انتخاب کنیم، با گزینه روبه‌رویم. گزینه ممکن است چند نوع باشد: ۱. زنده یا مرده؛ ۲. اجبارکننده یا وادارنده؛ ۳. مهم یا بی‌اهمیت (همان: ۴۵۸). هر گاه گزینه‌ای اجبارکننده، زنده و مهم باشد، آن را گزینه‌ای اصیل می‌نامیم. پر واضح است که اینها مربوط به امور عاطفی و ارادی‌اند.

حال این سؤال پیش می‌آید که آیا بصیرت ذهنی آن چیزی است که پس از خواست و اراده می‌آید یا این عقل ناب است که عقاید ما را تثبیت می‌کند؟ جیمز با دید روان‌شناختی خاصی که به فلسفه دارد، چنین پاسخ می‌دهد: طبیعت ناعقلانی ما بر یقینما تأثیر می‌گذارد. تمایلات عاطفی و ارادی هست که قبل و بعد باور می‌آید (جیمز، ۱۹۸۷: ۴۳۵). بنابراین، باورهای ما برگرفته از عواطف و اراده ماست. گفتنی است که منظور از طبیعت عاطفی، تنها آن عاطفه جدایی که عادت باور را ساخته است نیست، بلکه تمام عوامل عاطفی، ایجادکننده باورند؛ مانند ترس، امید، تعصب و اغراض نفسانی، تقلید و پیروی فشار محیطی؛ اینهاست که باور را می‌سازند.

تبیین و بررسی اهداف و اصول تربیت دینی ... ❖ ۴۷

جیمز؛ انسان بی اراده، متزلزل و ضعیف را که هیچ گاه قادر به انتخاب و تصمیم گیری نیست، مورد انتقاد و سرزنش قرار می دهد و معتقد است تعلیم و تربیت باید به تربیت انسانهای کارآمد، شجاع و با اراده و مصمم همت گمارد.

۳. اصل زدودن ریشه های بدینی

هدف: انسان باید به تجربه دینی دست یابد.

گذر از واقع نگر مبنایی: دستیابی به تجربه دینی، مستلزم زدودن ریشه های بدینی است.

نتیجه قیاس: انسان باید به زدودن ریشه های بدینی پردازد.

جیمز در مقاله «ارزش زیستن» می نویسد: گروهی نمی توانند رو به ایمان آورند؛ اینان کسانی اند که به حواس خود بسته اند، بر تجارب خود اصرار دارند و وفادار سخت به امور واقع هستند. معبود چنین اذهانی علم تجربی است.

اما این چه ارتباطی با بدینی دارد؟ جیمز بیان می کند آنچه برای آنان مهم است، همانا امور واقع است نه فراسوی آن. جهان را نه غایتی الهی است و نه گرداننده ای مهربان؛ بلکه قوانینی که نه نفرت دارند و نه عشق، چیزها را با هم به سوی سرنوشتشان می برند، بدون هیچ معنایی و این آغاز بدینی است. (جیمز، ۱۹۳۷: ۴۳۷)

۴. اصل پالایش خیال

هدف: متربی در تربیت دینی، باید به زدودن موانع گرایش تجربه ورزی دینی اقدام کند.

گذر از واقع نگر مبنایی: اشتغال قوه خیال، یکی از موانع گرایش آدمی به تجربه ورزی دینی کردن است.

اصل: متربی در تربیت دینی، باید به زدودن اشتغالات قوه خیال پردازد.

این اصل بیانگر آن است که قوه خیال انسان، همواره در معرض پراکندگی ناشی از حضور در عالم کثرت است و برای جلوگیری از تأثیر نامطلوب این مسئله، جیمز بر این باور است در یک مکان خلوت با تجسم یک صورت خیالی تمام توجه خود را به آن معطوف کند. انتخاب این صورت خیالی به طور دلخواه انجام می پذیرد.

ه) اصول و روش های ناظر به حیطة شناختی

۱. اصل ایجاد به سوگرایی

هدف: متربی در تربیت دینی، باید به تجربه ورزی دینی دست یابد.

گزاره واقع‌نگر مبنایی: دستیابی به تجربه دینی مستلزم نگاه به سوگرایانه است.

اصل: متربی در تربیت دینی باید به نگاه به سوگرایانه دست یابد.

شخص تجربه‌گر دین گونه‌ای به جهان می‌نگرد که می‌تواند امیدوارانه همیشه به مقابله با بدی‌ها و زشتی‌های جهان برآید. همه مدعای پراگماتیست‌ها این است که ما در جهانی زندگی می‌کنیم که می‌تواند نهایت سودمندی یا زیان‌آوری باشد (جیمز، ۱۹۰۲: ۵۷۴). در واقع؛ انسان بر مبنای طرحی از امکانهای تضمین نشده، زندگی و برای رستگاری جهان تلاش می‌کند. منظور از ممکن، آن است که هیچ چیز موجود نیست که قادر باشد از چیز ممکن ممانعت کند (همان: ۶۱۱). اما به باور جیمز، این کافی نیست؛ بلکه باید شرایط ایجادکننده آن شی ممکن را ایجاد کنیم. به باور جیمز، برخی شرایط رستگاری جهان به طور بالفعل وجود دارند و هر چه تعداد شروط ممانعت‌کننده کمتر باشد، امکان رستگاری جهان محتمل‌تر است. او این آموزه را بهسازی وجودی می‌نامد که در برابر خوشبینی‌گرایی و بدبینی‌گرایی بیان کرده است. (همان: ۶۱۲)

۲. اصل ایجاد کثرت‌گرایی دینی

هدف: متربی در تربیت دینی، باید به تجربه‌ورزی دینی دست یابد.

گزاره واقع‌نگر مبنایی: دستیابی به تجربه‌ورزی دینی، مستلزم پذیرش کثرت‌گرایی دینی است.

اصل: متربی در تربیت دینی باید باور به کثرت‌گرایی دینی داشته باشد.

به باور جیمز، خدا باوری فلسفی همیشه متمایل به اندیشه همه‌خدایی^۱ و یک‌گوهری بوده^۲ جهان را به مثابه یک واحد از واقعیت مطلق در نظر گرفته است. این در تقابل با خداپرستی عملی عامه و کم‌وبیش کثرت‌نگر^۳ است و نشان داده که با اصول اصیل بسیاری خود را وفق می‌دهد؛ مشروط بر آنکه اصل الهی را کماکان والا و برتر فرض کنیم. (جیمز، ۱۹۰۲)

از دشوارترین مسائلی که ممکن است پژوهشگر دین با آن برخورد کند، ارائه تعریفی مشخص از دین است. هر متفکری بسته به زاویه دید خود، تعریف خاص از دین ارائه کرده است. این سبب شده که تعداد تعاریف دین چنان زیاد باشد که به سختی بتوان آنها را احصا کرد. به باور جیمز، این نشان می‌دهد که دین دارای اساس یا ذات مشخص نیست و وجوه و جنبه‌های گوناگون دارد. از اینرو، تعریف آن بیشتر گمراه‌کننده است تا روشن‌کننده. در نگاه جیمز، یک موضوع خاص دینی نداریم تا از ذات دین سخن بگوییم (جیمز، ۲۰۰۲: ۳۳). به شکل مشخص‌تر و روشن‌تر می‌توانید لحظه‌ای به احساس دینی توجه کنید. یکی

1. Pluralism
2. Pantheistic
3. Pluralistic

تبیین و بررسی اهداف و اصول تربیت دینی ... ۴۹

آن را احساس وابستگی، دیگری آن را اشتقاقی از ترس و سومی آن را احساس ابدیت می‌داند. جیمز پاسخ می‌دهد احساس دینی نداریم، احساسات دینی داریم؛ مانند عشق دینی، ترس دینی و حیرت دینی.

(و) نقد و بررسی

نکته قابل توجه در تحلیل مباحث دینداری و ایمان‌آوری جیمز، شکل‌گیری ایمان بر اساس احوال عاطفی و تجارب دینی است. اینکه انسان موجودی صرفاً عقلانی (شناختی) نیست و دخالت اراده و ابعاد عاطفی - هیجانی انسان در تصمیم‌گیری‌ها و ملاحظه مجموعه دل‌بستگی‌های وجودی شخص در این فرایند که در واقع، جوهره اصلی نظریه جیمز است، قابل تأیید است. با توجه به آموزه فطرت در فرهنگ دینی اسلامی (گرایشها، شناختها یا هر دو) نیز می‌توان از علایق عمقی انسانها، به ویژه در حوزه دینداری دفاع کرد؛ با این تفاوت در اسلام به فهم پیش از ایمان توجه کرده‌اند.

علامه طباطبایی به فهم پیش از ایمان توجه کرده و برای تحقق ایمان با استدلالهای برهانی آزاد، ژرف‌نگری و حجت عقلی، اهمیت فراوان قائل شده است؛ به گونه‌ای که این اندیشه را که نخست باید ایمان آورد و سپس طبق آن عمل کرد، مردود می‌داند؛ زیرا از نگاه وی، تعقل، حجت عقلی و استدلال برهانی آزاد، بر ایمان تقدم دارد (طباطبایی، ۱۳۸۹). منظور علامه از حجت عقلی، برهانی است غیر از جدل و مغالطه؛ برهان قیاسی که از مقدمات یقینی تألیف یافته و بر خلاف قیاسهای غیر برهانی، نتیجه یقینی به بار می‌آورد و به دیگر سخن؛ تولید یقین می‌کند. بنابراین، به نظر علامه در نسبت عقل و ایمان، تلاش عقلانی و معرفت عقلانی بر ایمان تقدم دارد، گرچه به فهم پس از ایمان نیز می‌پردازد. اما این فهم پس از ایمان، برای آن است که عمق بیشتری به محتوای ایمان ببخشد؛ چرا که ایمان دینی پس از ژرف‌نگری و خردورزی از عمق بسی بیشتر برخوردار خواهد بود. به موجب این ایمان، نوری در قلب مؤمن پدید می‌آید که در پرتو آن، انسان با ایمان راه به سوی خداوند را پیدا می‌کند و به حیاتی بالاتر از حیات معمولی افراد فاقد ایمان دست می‌یابد.

چنان‌که برهان عقلی منشأ پیدایش ایمان است، دلیل نقلی و کشف و شهود عرفانی نیز از اسباب تحقق ایمان به شمار می‌روند. چیزی که هست در بدو امر، برهان عقلی بر ایمان تقدم دارد که از طریق برهان عقلی بر صدق برخی از گزاره‌های دینی، ایمان به آنها به وجود می‌آید. پس از آن، ایمان به سایر آموزه‌های دینی که از حدود دسترس عقل خارج است، باید از طریق دلیل نقلی و کشف و شهود عرفانی حاصل شود. به همین دلیل، به عقیده علامه، سه عامل در تحقق ایمان نقش دارند: برهان عقلی، برهان نقلی و کشف و شهود عرفانی. علامه طباطبایی (۱۳۵۰) معتقد است در آنجا که عقل از درک برخی از گزاره‌های دینی ناتوان باشد، عقل خود به ناتوانی‌اش در فهم برخی از آموزه‌های دینی اعتراف می‌کند و انسان را به

۵۰ ♦ مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی ۶۲

سوی منبع معرفتی دیگری بهنام وحی، که پرده از رخ حقایق دینی فراعقلی بر می‌گیرد، رهنمون می‌شود؛ در حالیکه جیمز به جای روش استقرایی، روش قیاسی را به کار می‌برد.

به عبارت روشن‌تر؛ سخن گفتن از تدین یا دینی شدن در اسلام، ناظر بر دگرگونی‌هایی است که این امر در وجود یک فرد ایجاد می‌کند. در اولین مرحله، فرد باید روشن‌بینی و بصیرت اعتقادات خاصی درباره جهان دست یابد؛ مانند اعتقاد به وجود و وحدانیت خدا، اعتقاد به معاد، نبوت و نظیر آن. این عقاید در فرد باید به صورتی نهادینه شود که وی آنها را فهمیده باشد و با روشن‌بینی نسبت به آنها متقاعد شده باشد. در مرحله دوم فرد باید یک رشته هیجانهای درونی را تجربه کند، که به طور غالب در ارتباط با مبدا جهان؛ یعنی خداوند ظهور کند. مفاهیمی مانند رجا، خوف، توکل و دعا که در ادیان مختلف و در اسلام وجود دارد، ناظر به همین تجربیات درونی است. اگر فردی نسبت به اعتقادات دینی خود، چه به لحاظ عصری و چه به لحاظ شخصی روشن‌بین باشد؛ اما در طول دوره تدین خود، این حالتها را تجربه نکند، او یا اساساً متدین نیست یا اینکه در تدین او کاستی وجود دارد. به عبارت دیگر؛ تجربه درونی، شرط لازم برای تدین است. مولفه سوم در تدین، التزام درونی است. التزام درونی، متضمن انتخاب نسبت به چیزی و پابندی نسبت به آن است؛ یعنی فرد باید نسبت به خدا و آنچه خدا از او می‌خواهد، التزام درونی پیدا کند. عنصر التزام، به نحو بارزی در ایمان لحاظ شده است. ایمان نیز یک وضعیت درونی است که در آن، انتخاب و گزینش وجود دارد. از این جهت است که ایمان، آوردنی است؛ چنان که کفر نیز ورزیدنی است. سرانجام، آخرین عنصر تدین، عمل است. فرد متدین کسی است که به مقتضای اعتقادات و ایمان خود، اقدام به انجام اعمالی می‌کند. (باقری، ۱۳۸۸)

بنابراین، فردی متدین است که دارای چهار ویژگی مورد بحث باشد: ۱- اعتقادات، ۲- تجربه درونی، ۳- التزام درونی و ۴- عمل. اگر کسی یکی از این ویژگی‌ها را نداشته باشد، به همان میزان در دینی بودن وی، کاستی وجود خواهد داشت.



منابع

- باقری، خسرو (۱۳۸۸). *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی*. تهران: مدرسه، چ سوم.
- باقری، خسرو؛ نرگس سجادیه و طیبه توسلی (۱۳۸۹). *رویکردها و روشهای پژوهش در فلسفه تعلیم و تربیت*. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- بلندهمتان، کیوان و میرعبدالحسین نقیبزاده (۱۳۸۸). «تجربه دینی از منظر ویلیام جیمز». *فصلنامه پژوهشهای فلسفی کلامی*، ش ۲۴۹: ۳۹-۲۲۲.
- شجاعیزند، علیرضا (۱۳۸۸). «تبارشناسی تجربه دینی در مطالعات دینداری». *فصلنامه تحقیقات فرهنگی*، ش ۲: ۴۹-۳۱.
- شریفی نیا، محمدحسن (۱۳۸۳). «ماجرای تجربه دینی». *فصلنامه حوزه و دانشگاه*، ش ۳۸: ۷-۴.
- شیروانی، علی (۱۳۸۱). «تجربه دینی». *جستارهایی در کلام جدید*. تهران: سمت.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۹۳ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. مؤسسه‌الاعلمی للمطبوعات، جلد ۲۰، چ سوم.
- Bageri, Khosrow : sajjadieh, Narges and Tavassoli, Tayyebe (2010) **Research Methodology and Approaches in the Philosophy of Education**. Tehran: Research Center for Cultural and Social Studies .۲۲۲
- Bageri, Khosrow (2009) **A Review on Islamic Education** (Third Edition). Tehran Modares Publication
- Bolandhematan, Keyvan :Nagibzade , Mirabdolhosein (2009). **Experience in Religion in View of William James** .*Studies on Verbal Philosophy Quarterly* ,No 249:222-39.
- Gaemi Nia , Alireza (2002) .**Religious Experience Nightmare**. *Gabsat Publication* ,22,8.
- James, William (1897). **The Will to Believe, and other Essays in Popular Philosophy**; in his Writings 1878-1899. Selected by Gerald Myers. New York: The Library of America; 1992.
- James, William (1902). **The Variety of Religious Experience**; in his Writings 1902-1910. Selected by Bruce Kuklick. New York: The Library of America; 1987.
- James, William (2002). **The Verity of Religious Experience**. Century London and New York: Rutledge.
- Javadi Amoli, Abdollah (2005) **Philosophy of Religion Proofs of Divine Existence**. Gom : Asra Publication Center
- Pauper , carl (2002) **Logic of Scientific Explorations**: Translated By Hosein kamali :Tehran : Scientific and cultural
- Peterson & Etal (1997) **Wisdom and Religious Belief Translated by Ahmad Naragi and Ibrahim Soltani** ,Tehran ,Tarhe no Publication

- Shamschiri , Babak (2006).**Education in View of Love and Mysticism** .Tehran :Tahori Publication
- Shamschiri , Babak and Naghibzade , Abdolhosein (2005) **The Processes of Education Adapted from Islamic Mysticism**. *Daneshvar Raftar Science and Research Quarterly* (12), 89-73
- Sharifi Nia , Mohammad Hasan (2004).**The Adventure of Religious Experience** .*Hawza and the University Publications* .(38) , 7-4
- Shirvani ,Ali (2002) **Essays In New Speech**.(An Article on Religious Experience) , Tehran :Samt Publications
- Shojaee zand , Alireza(2009) .**Genealogy of Religious Experiences in Religion Studies** .*Cultural Research Quarterly* , No 2:31-49
- Tabatabai, Mohammad Hossein (2014 AH), **Almizan in Quran Interpretation**, *Ala'lami lel Matboat Institute*, Volume 20 , Third Edition
- Vin , Proud Fort (1998).**Religious Experience** ,Translated by Abbas Yazdani .Tehran : Farhange Taha Institute
- Yandel, K.(1997). **“Religious Experience”**. In P.L.Quinin& C. Taliaferro (Ads). *Companion of Religious*.P.367.

